

گفت و گو با رضا بنی‌رضی، کاتب قرآن با شیوه ختم به آیه در صفحات قرآن مخالفم

رضا بنی‌رضی از خوشنویسان سرشناس کشورمان و هنرمندی پرکار در این عرصه هنری است. او متولد ۱۳۴۳ و فارغ التحصیل در رشته ادبیات است. بنی‌رضی، خوشنویسی را به طور جدی از سال ۱۳۵۹ آغاز کرده و تحت تعلیم اساتیدی چون آهنگران، موحد و امیرخانی به فراگیری هنر خوشنویسی و خطاطی پرداخته است. او از سال ۱۳۶۴ نیز در انجمن خوشنویسان ایران تدریس می‌کند. این هنرمند، خط نستعلیق را نزد همه اساتید خود کار کرده و خط نسخ را نزد استاد موحد آموخته است. برپایی نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی از آثارش در داخل و خارج از کشور و آثار چاپی چون گزیده لیلی و مجنون، اقبال نامه، مثنوی و خطبه حضرت زهرا از جمله فعالیت‌های هنری وی به شمار می‌روند. بنی‌رضی اکنون به کتابت قرآنی با اصول و شیوه‌ای ویژه خود مشغول است که از حدود شش ماه پیش بر روی آن کار می‌کند. وی پیش از این نیز قرآن دیگری را تحریر کرده است. به مناسبت انجام کار قرآنی جدید این خوشنویس، گفتگویی در این زمینه با وی انجام شده است که از نظراتان می‌گذرد.

● شنیده‌ایم که در حال حاضر شما مشغول تحریر قرآنی با ویژگیها و با شیوه‌های جدید هستید. لطفاً بفرمائید چطور شد که تصمیم به انجام این کار گرفتید؟

○ مقداری از انگیزه این کار مربوط به کسانی است که مرا برای انجام آن انتخاب کرده‌اند و مقداری نیز به انگیزه‌های خودم ارتباط دارد. در واقع من بسیار علاقمند بودم توانایی‌های خود را در این زمینه عرضه کنم و مشاهده می‌کردم قرآن‌هایی که بخصوص طی بیست سال اخیر به چاپ رسیده‌اند، غالباً از نظر خوشنویسی و رسم‌الخط در سطح نازل قرار دارند.

از طرفی، آقای فریدزاده به من پیشنهاد کرد که قرآنی بنویسم. من نیز پذیرفتم و چند صفحه‌ای را که تحریر کرده بودم، نزد آقای خاتمی رئیس جمهوری بردند و ایشان برای انجام این کار تاکید کردند. از آن به بعد من به طور جدی کار را پی‌گرفتم. البته کارگزار این اقدام مشاورین آقای رئیس‌جمهوری هستند و به طور مشخص، از طریق آقای مسجد جامعی این اقدام صورت می‌گیرد.

● شما به قرآن‌هایی اشاره کردید که از لحاظ خوشنویسی فاقد ارزش‌های لازم هستند. لطفاً در این باره توضیح بیشتری بفرمائید. اساساً در کتابت قرآن کریم رعایت چه نکاتی ارزش محسوب می‌شود؟

○ اکنون خط نسخ در خوشنویسی ما افول کرده است. این خط تقریباً از دوره قاجاریه منسوخ شد و پس از آن عده معدودی، به نوشتن آن پرداختند که به دلیل معدود بودن این افراد، رقابت شدیدی نیز میان آنها وجود نداشت بنابراین، پیشرفت زیادی در این زمینه صورت نگرفت. تعدادی هم که به نوشتن می‌پرداختند غیر از یک یا دو نفر از آنها، در کارشان تحقیق و تفحص وجود نداشت که بتوان فهمید آیا توانایی انجام این کار را دارند یا خیر. در آن زمان کسی را پیدا کردند که معمولاً ارزان‌ترین قیمت را برای تحریر قرآن پیشنهاد می‌کرد. تنها قرآنی که بدون چنین انگیزه‌ای کار شد قرآن عثمان طه بود. البته خطاط این قرآن، سوری و سقارش دهندگان آن سعودی‌ها بودند که کتابت قرآن عثمان طه متفاوت با کتابت ما بود. با این حال، این قرآن وارد کشور ما شد و با تیراژ بالایی به چاپ رسید. می‌توان گفت این مساله برای کشور ما که بر خلاف کشور سوریه، مهد خوشنویسی به شمار می‌رود، شایسته نبود. در واقع مطرح شدن و شهرت قرآن عثمان طه در اینجا به این دلیل بود که تا آن زمان کسی به آن شیوه (ختم هر صفحه به یک آیه) کار نکرده بود و اگر هم کار شده بود، در سطحی قرار نداشت که قابل مطرح کردن باشد. از سویی

دیگر قرآن عثمان طه خود نیز دارای اشکالاتی است و قرائت آن برای افراد مسن ما که به طور سنتی و با قرآن‌های قدیمی همچون قرآن طاهر خوشنویس خو گرفته‌اند، مشکل است. به هر حال، اکنون ختم به آیه هر صفحه از قرآن رایج شده که قبلاً در قرآن‌ها رواج نداشته است و شاید از زمان مصطفی نظیفه خوشنویس اهل ترکیه، این شیوه آغاز شد. سپس حامد العامدی از دیگر خوشنویسان عرب از وی تقلید کرد و در نهایت عثمان طه آن را ادامه داد. دو نفر اول نیز از اساتید برجسته خوشنویسی بوده‌اند ولی مانند عثمان طه بخت یارشان نبود تا از شهرت برخوردار شوند. ختم به آیه صفحات یک قرآن باید با دقت بسیار انجام شود تا رعایت همه مسائل خوشنویسی و زیبایی‌شناسی صورت گیرد. در غیر این صورت، چنین شیوه‌ای پسندیده نخواهد بود. چون مثلاً اگر قرار باشد ده آیه در یک صفحه جای بگیرد ممکن است یک صفحه بسیار شلوغ، با خطوطی فشرده و صفحه‌های خالی از کلمات را داشته باشیم که این شیوه، ترکیبی نامناسب و ناهماهنگ را در صفحات قرآن ایجاد می‌کند. در هر صورت، در قرآنی که من اکنون بر روی آن کار می‌کنم، سعی شده است شمارش آیه جدیدی انجام شود تا بلکه بتوانیم این اختلاف را کم کنیم. چون به هر حال اختلاف صفحات را در چنین شیوه‌ای، نمی‌توان به کلی از بین برد. عثمان طه نیز تلاشی برای کم کردن این اختلاف نکرده و قرآن را نعل به نعل نوشته است.

به نظر من در مجموع آنچه به لحاظ خوشنویسی قرآن کریم ارزش محسوب می‌شود علاوه بر ویژگیهای هنری، رسم‌الخط مناسبه سهولت در قرائت یا سادگی و صحت رسم‌المصحف است.

● ویژگیهای کار شما در قرآنی که مشغول تحریر آن هستید، در چه مواردی است؟
○ یکی از ویژگیهای این قرآن همین سهولت در قرائت آن است. به طوری که به صحت رسم‌المصحف لطمه‌ای نزنند. رسم‌المصحف همان چیزی است که مسلمانان غربی، مثل مسلمانان آندلس و حتی سعودی‌ها بر روی آن تعصب دارند؛ یعنی شیوه نگارش خطوط همان قرآن‌هایی که در قرون اولیه اسلام نوشته شده‌اند. ما ایرانی‌ها و بسیاری دیگر از کشورهای مسلمان در شرق، معتقدیم که قرآن به صورت صوت به پیامبر نازل شده و نه به صورت کتابت. برای مثال، ما معتقدیم که اگر کلمه «کتاب» را با الف یا بدون الف بنویسیم و در هر صورت آن را

ختم به آیه صفحات
یک قرآن باید با دقت
بسیار انجام شود تا
رعایت همه مسائل
خوشنویسی و
زیبایی‌شناسی صورت
گیرد. در غیر اینصورت،
چنین شیوه‌ای پسندیده
نیست



هنر قرآنی، هنری است که بیشتر از آن که با منابع مختلف دیگری سر و کار داشته باشد، با قرآن ارتباط داشته باشد

ضمه معکوس «ه» را در بعضی کلمات قرار داده‌ام که این علامت مثلاً اگر بر روی «ه» بیاید «هو» خوانده می‌شود و یا بر روی «ن» بیاید «نو» خوانده می‌شود و دیگر لازم نیست «نون» و «واو» را با یکدیگر ترکیب کنیم.

● آیا سفارشی دهندگان قرآنی که شما آن را کتابت می‌کنید به رعایت مسائلی که شما به آنها اشاره کردید، توجه داشتند یا خودتان به همه این موارد رسیدید؟
○ آنها اطلاعی از این جزئیات نداشتند و همچنین با اشکالات کار عثمان طه آشنا نبودند. در واقع، من هم می‌توانستم فقط به عنوان یک کار سفارشی‌تحریر این قرآن را به انجام برسانم ولی راضی به این کار نشدم و خواستم تاجایی که امکان دارد، رعایت تمامی موارد گفته شده را بکنم به این لحاظ شاید از نظر مالی هم متوجه لطمه شده‌ام، چون کار با دقت و زمان بیشتری انجام می‌شود. همچنین ممکن است از این پس بخاطر رعایت این موارد، از جانب بعضی، مورد ناسزا هم قرار بگیرم. به هر حال، من شخصاً به تمام جوانب کار توجه دارم و شاید این بخش از کار و تحقیقات در این زمینه را باید یک گروه انجام دهند و نه یک خوشنویس به تنهایی. چون کار هنری که خوشنویس انجام می‌دهد، از این مسائل مجزاست و این کار مضاعفی هم که من در تحریر این قرآن، انجام می‌دهم، یک کار نوقی و شخصی در کنار کار خوشنویسی است.

● در کارهای قرآنی مبحثی وجود دارد، مبنی بر اینکه با آوردن کلمات و یا آیاتی از قرآن کریم در آثار مختلف مثل نقاشی، آثار حجمی، دیگر رشته‌های تجسمی و حتی کارهای تصویری، نمی‌توان آن را به عنوان هنر قرآنی معرفی کرد. ویژگی‌هایی برای هنر قرآنی قائلند. نظر شما در این باره چیست؟
○ ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که کاتب قرآن کسی است که هشتاد درصد کارش قرآن باشد. متأسفانه ما در نمایشگاه‌های قرآن هم این مشکل را داریم. برای مثال، اساتیدی در این نمایشگاه‌ها در مورد کارهای قرآنی نظر می‌دهند و به نوعی برگزار کننده هم هستند که شاید اصلاً زبان عربی را نمی‌دانند. وقتی که کاتبان حقیقی قرآن وجود دارند، چرا نباید از وجودشان استفاده شود؟

این کاتبان حقیقی، کسانی هستند که بیشترین کار را بر روی قرآن انجام می‌دهند. طی بیست سال اخیر، هزاران قرآن به چاپ رسیده است. حال چند نفر می‌دانند که برخی از این قرآن‌ها به دلیل اشکالاتی که دارند، باید خمیر شوند؟ باید

«کتاب» بخوانیم، وحی را به درستی ادا کرده‌ایم، در حالی که مسلمانان مغربی این مورد را نمی‌پذیرند و معتقدند که اگر «کتاب» بدون الف را با الف بنویسیم، بایی برای تحریف قرآن باز می‌شود. همچنین آنها ترجمه زیر سطور را نمی‌پذیرند و اگر مشاهده کرده باشید در قرآن‌های بیست ساله اخیر، ترجمه آیات در صفحه مقابل آورده می‌شود، تا از نظر آنها بی حرمتی تلقی نشود.
ما علاوه بر سادگی و سهولت درقرائت، رسم المصحف را نیز رعایت کرده‌ایم به شکلی که خواننده ایرانی هم در خواندن مشکل نداشته باشد.

● بنابراین در شیوه کار شما، نه قاریان ایرانی و شرقی، نه قاریان عربی که شما از آنها نام بردید، در خواندن قرآن مشکلی نخواهند داشت.
○ همینطور است. یعنی نه می‌توانند ایراد رسم المصحفی به آن بگیرند و نه مشکل شلوغی صفحات در آن مطرح است که قاریان ایرانی و به خصوص افراد مسن ما، از خواندن آن منصرف شوند.

در اینجا باید به حضور شورایی به نام شورای قرآن اشاره کنم که این شورا، چند سالی است مشغول تتبع در کتابت قرآن است. به این معنا که چگونه می‌شود این اختلافات را کم کرد و یا آن را به چه سرانجامی رساند. گمان من بر این بود که شاید این شورا توانسته در این زمینه اقدامات خاصی صورت داده باشد. و از آنجا که قرار بود شورای قرآن متنی را برای انجام کارم به من بدهد، حدود سه تا چهار ماه منتظر ماندم و به همین دلیل، انجام کار قدری به تأخیر افتاد. پس از گرفتن متن از این شورا، متوجه شدم کار خاصی صورت ندادند و برای مثال از بعضی کلمات، علامت سکون را برداشته‌اند چون معتقدند بدون این علامت هم می‌توان فهمید که قرائت کلمه چگونه‌است.

البته در جاهایی کار را ساده کرده‌اند یعنی اعراب کلمات کم شده ولی به هر حال من متوجه ایراداتی نیز در کار آنها شدم. مثل کلمه «عَتَبُوا» (اعْتَبُوا) در سوره بقره که آنها بر روی «نال» فتحه گذاشته‌اند ولی بر روی «واو» هیچ علامتی نگذاشته‌اند. الف هم که خوانده نمی‌شود. حال اگر بخوانند «عَتَبُوا» را بنویسند اِعْتَبُوا و اَعْتَبُوا هر دو یک جور نوشته می‌شوند. در واقع نمی‌دانیم کدام یک درست است. حال در قرآنی که من می‌نویسم حرفی که حرکت دارد، خوانده می‌شود و هر حرفی که حرکت ندارد، خوانده نمی‌شود. همچنین در این قرآن، علامتی مثل

وَلَا تَجْرِمْنَا الَّذِينَ يَسْمعونَ فِي الْكُفْرِ أَنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ
 شَيْئاً وَيُدْءِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ مَنْ خَطَأَ فِي الْأَخْزَابِ وَلَمْ يَكُنْ
 عَظِيمَ ۗ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْإِيمَانِ أَنْ يَضُرُّوا
 اللَّهَ شَيْئاً وَمَنْ كَفَرَ الْبُرْهُنَ لَا يَجْتَنِبُ مِنَ اللَّهِ
 كُفْرًا وَآتَى كُلَّ مَنْ حَقَّ عَلَيْهِ مِنَ الْعِلْمِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ
 شَيْئاً وَمَنْ كَفَرَ الْبُرْهُنَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِمْ سِوَى الْقِيَمَاتِ وَتُكْرَهُهُ اللَّهُ
 لِلْمَلِكِ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِالنَّاسِ
 بَشَاءً مَا مَوْءُوا لَهُ رَبِّهِمْ إِنَّهُم كَانُوا قَوْمًا فَاعِلِينَ ۖ
 عَظِيمَ ۗ وَلَا تَجْرِمْنَا الَّذِينَ يَسْمَعُونَ بِمَا أَنْتُمْ آفِكُونَ
 عَلَيْهِمْ فَتُكْرَهُهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّهُم كَانُوا قَوْمًا فَاعِلِينَ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيَسْمَعُونَ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

إِنَّ الْخَيْرَ بِصَالِحِ الْمَدِينِ وَسَمِيئَةِ الْقَاهِ

الْحَيَاتُ سَعْبٌ مِنَ الْإِيمَانِ

مَنْ كَلَّمَ قَلْبَهُ
 وَأَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مَنْ كَلَّمَ قَلْبَهُ فَهُوَ كَمَا
 وَمَنْ كَرِهَ قَلْبَهُ فَهُوَ كَمَا
 فَالْجِبَادُ فَالْوَدَعُ وَنَمِ
 فَالْوَدَعُ مَا تَدْخُلُ النَّارَ
 مَا تَدْخُلُ النَّارَ
 كَيْدُ وَفِي

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ

عَلَّمَ

وَكَمَالَ الْأَخْلَاصِ لَهُ نَفْسُ
الْمُتَّقِينَ وَوَجْهٌ لِلْمُتَّقِينَ

عَلَيْهِ سَلَامٌ طَالِبِ عِلْمِهِ السَّلَامُ

مَعَالِمُ الْإِسْلَامِ

الَّذِينَ مَعْرِفَتُهُ وَكَلَامُ مَعْرِفَتِهِ
طَالِبِ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ أُولَئِكَ
مِنْ كَلَامِ رَبِّهِ

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُفِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ

مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا

تَأْسَرَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغُونَ

وَالنَّصَارَةُ مِنْ أُمَّةٍ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا

جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

وَحَسِبُوا أَنَّ الْآلَانَ كُنْ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا وَتَمَّوْا ثَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا

كَثِيرًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ

هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ

مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

أَنْصَارٍ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمِمَّنْ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ

وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ



دانست محث هنر خیلی دقیق تر از مباحث علمی و دیگر مباحث است. یعنی کمتر می توان متوجه عیوب آن شد. بخصوص در زمینه هنر خوشنویسی چین است. گاهی خود نستعلیق نویسان خوشنویس، خط نسخ را نمی شناسند؛ در این صورت چگونه می توان از مردم غیر خوشنویس انتظار داشت تا خط نسخ را بشناسند.

به هر حال هنر قرآنی هنری است که بیشتر از آن که با منابع مختلف دیگر سر و کار داشته باشد باید با قرآن ارتباط داشته باشد. وقتی که یک خوشنویس، مجموعه ای از برگه های قرآن کریم را به چاپ می رساند باید بررسی شود که کارهای او به کدام سمت است. اگر از لحاظ کمی و کیفی به سمت قرآن باشد، یک کار قرآنی انجام داده است.

○ لطفاً توضیحی درباره مراحل کار صفحات قرآنی که تحریر می کنید، بفرمائید.

○ در ابتدا خط نوشته و آند زده می شود. فضایی هم برای کار بیشتر در نظر می گیرم تا به فرض چنانچه جایی از کار دارای فضای خالی است، بر روی آن مجدداً کار شود. بنابراین، یکبار به طور نظری، حدود آن را از روی قرآن های دیگر پیدا می کنم، سپس آند می زنم و در مرحله بعدی نیز کلمات را تا انتها می نویسم. در واقع، صفحات موفق در سه مرحله و صفحات ناموفق و دارای اشکال در بیش از سه مرحله کار می شوند. پس از اتمام کار خط نیز، کار تذهیب قرآن آغاز می شود که تذهیب چند صفحه اول و چند صفحه آخر با یکدیگر متفاوتند و بقیه صفحات، تذهیب یکسان دارند. یعنی تذهیب شان تکثیر می شود. رنگ سیاه نیز آخرین رنگ در چاپ است. یعنی ابتدا، گل آیه ها و رنگ های دیگر زده می شوند و در آخر، رنگ سیاه کار می شود.

○ به نظر شما یک خوشنویس چگونه می تواند با موضوع قرآن، برخورد خلاقه داشته باشد؟

○ چنانچه قرآن را فقط برای قرائت آن بخواهیم، برای خلاقیت، دستمان خیلی باز نخواهد بود. ولی می توان تابلوهایی از قرآن در اختیار داشت که در صورت مجاز بودن، در وسط آنها نقوش و تصاویری را ایجاد کرد. مانند آثار حافظ که در میان اشعار، نقاشی هایی وجود دارد.

و یا مثلاً اگر از ده یا بیست صفحه یک جزء قرآن، تابلویی هم تهیه شود، می تواند کار زیبایی باشد. فکر میکنم این مساله اشکالی ایجاد نمی کند و شاید به نوعی تنفس چشم هم باشد.

○ به طور وضعیت خط نسخ را به لحاظ استفاده از آن در کتابت قرآن در دوره های مختلف چگونه ارزیابی می کنید؟

○ خط نسخ از اوائل دوره صفوی به دو رشته تقسیم شد که این دو رشته شامل خط نسخ عربی، ترکی یا عثمانی و خط نسخ ایرانی است. در خط نسخ ایرانی، افرادی چون علاءالدین تبریزی، مرحوم نیریزی و وصال شیرازی کار کرده اند. از دوره صفویه به بعد، هر قدر به جلوتر آمدیم، این دو رشته از یکدیگر فاصله گرفتند. از زمان قاجاریه نیز به علتی که برایم خیلی روشن نیست، خط نسخ افول کرد و تا زمان طاهر خوشنویس، این خط مشهود نبود. البته طاهر خوشنویس نیز تنها به خواندن عوام توجه داشت و درشت نویسی می کرد، به طوری که بر روی قرآن هایش می نوشت: «درشت خط». می توان گفت چند سال قبل از انقلاب اسلامی، آقای عبدالصمد صمدی کار در زمینه خط نسخ را جدی گرفت و به کارهای دوره قاجاریه و به آثار افرادی چون نیریزی رجوع کرد که البته کار ایشان تفاوت های بسیاری با آثار قبلی داشت. به هر حال، عده ای پیدا می شدند که این کار را به پیشکسوتی آقای صمدی جدی تلقی کردند و در عین حال از دوره فترتی که در زمان رضاخان وجود داشت فاصله زیادی گرفتند.

اکنون هم من با خط نسخ ایرانی مشغول تحریر قرآن هستم و از لحاظ خوشنویسی سعی کرده ام به دوره صفویه نزدیک شوم. البته خط نسخ آن زمان مقداری دارای فشردگی و ناهمواری است و من آن را دقیق و پاکیزه اش کرده ام. ولی با این حال این خط فاصله زیادی با گذشته و دوره قاجاریه دارد.

○ فکر می کنید از بین قرآن های موجود، چه قرآنهایی بیشترین امتیازات را به لحاظ روان خوانی، بصری و رعایت مسائل هنری دارند؟

○ من هنوز بسیاری از قرآن های حاضر را که به نسخ ایرانی نوشته شده اند، ندیده ام. ممکن است در گنجینه آستان قدس رضوی برای مثال پانصد هزار قرآن وجود داشته باشد که هر کدام زیباتر از دیگری باشند و انسان را مدهوش کنند. به هر حال در قرآن هایی که صفحات شان ختم به آیه نیست، می توان از قرآن نیریزی به عنوان کار قرآنی برجسته یاد کرد. در هر صورت، من با شیوه ختم به آیه مخالفم.

○ شما می فرمائید که با شیوه ختم به آیه مخالفید پس به این ترتیب چه شد که خودتان هم به این شیوه کار کردید؟

○ متأسفانه مردم اینگونه می پسندند و سفارش دهندگان این کار نیز از من چنین خواسته اند و در صورتی که غیر از این بخواهم انجام دهم، گمان می کنند قصد کم کاری دارم. از طرفی دیگر می خواهم که این قرآن با اقبال عمومی نیز روبرو شود، ولی قصد دارم بعد از اتمام این کار، قرآنی دیگر و بدون شیوه ختم به آیه بنویسم.